

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

نویسنده: جلال ایجادی
فرستنده: عثمان حیدری
۲۸ جون ۲۰۱۷

قرآن همان تورات است



در نوشته های پیشین، زیر عنوان "قرآن، نه کلام خدا، نه الهام محمد، نوشته ای تاریخی و التقاطی"، به بررسی شکل گیری قرآن به عنوان یک پدیده تاریخی و سیاسی پرداختیم. در این نوشته ها با نگرش هرمنوتیک نشان داده شد که نسخه قرآنی محصول دویست سال نگارش و تنظیم و دستکاری بوده و نویسندگان و کاتبان متعددی در این تولید شرکت داشته اند. در نوشته حاضر به یکی دیگر از عرصه های تحقیق یعنی رابطه قرآن با تورات، پرداخته می شود.

کتاب تورات

در بررسی کتاب های دینی، ما همیشه با دشواری های متعدد روبه رو هستیم. دوربودن زمان تنظیم کتاب، فرهنگ و زبان کتاب، چندگانگی نوشتار و شیوه های نگارشی مختلف، شماره کاتبان و نویسندگان، کمبود داده ها، فضای تقدس، نبود تربیت پژوهشگری، موقعیت تاریخی و اجتماعی و غیره، پیشرفت شناخت علمی را کند می کند. به این لحاظ شیوه بررسی برای درک کتاب دینی، نمی تواند محدود باشد. همه روش های جدی و دانشگاهی و علمی باید مورد توجه باشد تا خطر بیراهه رفتن و یک جانبه نگری به حداقل برسد. روشن است که این دشواری ها در مورد اسلام پررنگتر است و روش های علمی و هرمنوتیک برای کشف حقیقت اساسی است. این شناخت علمی به طور قطع ما را از نوشته های جانبدار دینی و غیر علمی اسلامگرایان دور کرده و به طور جدی این دین را به موضوع مطالعه قرار داده است. امروز مطالعات اسلام شناسانه جدی و قابل توجهی در مراکز دانشگاهی غرب به وجود آمده است. این شناخت کنونی پایان کار نیست و عرصه تحقیق همچنان ادامه خواهد داشت. در تحلیل علمی قرآن از یک صد و پنجاه سال اخیر روش های تحقیقی بسیار متفاوتی از جانب پژوهشگران غربی در نظر گرفته شده است. گوستاو ویل در اثر خود «مقدمه تاریخی انتقادی بر قرآن» (۱۸۴۴). تئودور نولکه در اثر خود «تاریخ قرآن» (۱۸۶۰)، فردریش شوالی در اثر خود «جمع

آوری» که بین سالهای ۱۹۳۸-۱۹۰۹ تنظیم شد و گوتلف بروگستراسه و اتو پرتسل در کتاب «تاریخ نوشتار قرآنی»، یک پژوهش بزرگ و علمی و تاریخی را پایه نهادند. این سلسله تحقیق ها با اثر رژیس بلاشه «قرآن» و کتاب «قرآن، ترجمه تنظیم انتقادی سوره ها» (۱۹۳۹-۱۹۳۷) از «ریشارد بل»، یک دکترین جدید و استوار اسلام شناسی را پایه ریزی نمود. تحقیقات پژوهشگر انگلیسی «جون وانبروک» در کتاب «مطالعات قرآنی» (۱۹۷۷) نشان می دهد که قرآن دارای یک تاریخ طولانی است و کتاب کنونی در آخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم به سرانجام می رسد.

در زمینه سیره نویسی و بیوگرافی نویسی اسلام در باره دوران سرآغاز و شخصیت های دینی آن مانند محمد پیامبر اسلام، کتاب «محیط اجتماعی فرقه گرا» (۱۹۷۸) نقش تعیین کننده داشت و متفکرانی مانند میکل کوک، پاتریسیا کرون، ژرار هاتینگ، یهودا نوو، آندریو ریپین، اوری روبین، هارلد موتز، مایکل لیکر، ویلیام مارسه، و ژاکلین شابی با اثرش «رؤسای قبایل» (۱۹۹۷)، شناخت بسیار مفید و زاویه پژوهشی جالبی در باره تاریخ و جغرافیای تاریخی مطرح ساختند. تحقیقات تاریخی در باره شکل گیری نسخه قرآن و روند تاریخی دویست ساله قرآن با نظریه های فرانسوا دروش، آلفرد لویی دو پره مار، دومینیک سوردل، میشل اورسل، گابریل تری، میشل اماری، الوئیز اسپرنجر، ژوزف برتوال، فرانسوا میشو، کریستیان ژولین روبن، فیلیپ باره، آلن ژورژ، میکل مارکس، و دیگران، به شناخت اساسی و گسترده منجر گشت. در این میان گابریل تری، ژوزف برتول، اولاف، ادوارد ماری گاله، در تحقیقات خود رابطه قرآن با تورات را مورد بررسی قرار داده و تأثیر قاطع و انکار ناپذیر تورات بر قرآن را روشن ساختند.

در تمام این تلاش های فکری و تحقیقاتی درک از قرآن به مسیر علمی کشیده شد و از اسلامشناسی اسلامگرا و غیر علمی خارج شد. البته همانطور که می دانیم هیچ تحلیلی نمی تواند کاملاً رضایت بخش باشد و طبیعت تحقیق همیشه دورنماهای تازه ای برای پژوهش می گشاید ولی به طور قطع ما با گسست روشن نسبت به روشهای کهن آلوده به اعتقادات، مواجه هستیم. تمامی نوشته های اسلامشناسانه ای که توسط مسلمانان تولید شده، از این پس اعتبار خود را از دست داده و در تحقیقات در باره اسلام، علم گرایی به جای دین گرایی نشست. روند کار تحقیقی به یک روش و متد محدود باقی نماند و هر پژوهشگر و یا مکتب تحقیقی، روش بررسی ویژه خود را به کارگرفت:

یکم، بررسی آیات قرآن مبنی بر مکی بودن و مدنی بودن آنها. دوم، بررسی تنظیم تاریخی قرآن طی دویست سال. سوم، بررسی زبانی و دستوری قرآن. چهارم، بررسی تأثیر فرهنگ های دیگر در قرآن. پنجم، بررسی ترکیب واژگان عربی و غیر عربی قرآن. ششم، بررسی معنایی آیات قرآن. هفتم، بررسی قرآن و محیط جغرافیائی آن. هشتم، بررسی قرآن با محیط اجتماعی و تاریخی. نهم، بررسی قرآن در رابطه با انجیل. دهم، بررسی قرآن در ریشه یابی توراتی آن. این روشهای پژوهشی و دیگر متدها، ابعاد عمیقی به شناخت علمی بخشیده است.

در تحلیل های پیشین در باره قرآن به مثابه یک کتاب تاریخی و التقاطی، جنبه های گوناگونی را مورد بحث قرار دادیم و امیدواریم خواننده به نوشته پیشین توجه لازم را بکند (۱). در اینجا رابطه قرآن و تورات را مورد توجه قرار می دهیم. کار علمی همیشه باز می ماند و قابل انتقاد و انکشاف است. تحقیق های ما ادامه خواهد داشت و به کارگیری روش مقایسه ئی و تاریخی قرآن با تورات یکی از روش ها می باشد که قادر است شناخت جالب دیگری به ما انتقال دهد.

تورات کتاب مرجع

در بررسی قرآن و تحلیل هرمنوتیک از آن پی می بریم که قرآن دارای نزدیکی های بسیار شگفت انگیزی با کتاب دینی یهود یعنی تورات دارد. قرآن خود را دین ابراهیمی می داند و به معنای دیگر خود را ادامه دهنده سنت ابراهیمی، ادامه

دهنده دین موسی و معتقد به یکتاپرستی می داند. این ابراز خویشاوندی به چه معناست؟ ما زمانی که ساختار عمومی محتوای قرآنی را از نگاه هرمنوتیک تحلیل می کنیم میان پیام، زبان، طرز بیان، نگرش و اسطوره های دو دین شباهت بزرگی مشاهده می کنیم. این نزدیکی اتفاقی نیست. این دو دین دارای همبستری فرهنگی و جغرافیائی بوده و تورات منشأ بزرگی برای قرآن به شمار می آید. بدون تورات و افسانه ها و اسطوره های عبری تنظیم قرآن ناممکن است. قرآن محصول یک تاریخ پیچیده و متضاد و سیاسی است، ولی به طور مسلم تورات نقش بسیار برجسته در شکل گیری ساختاری داشته است.

تورات چیست؟ کتاب تورات قبل از هرچیز، تاریخ و دین و فرهنگ یهودیان است. این تاریخ با اسطوره های این قوم درآمیخته است. بر اساس تورات یهودیان از تبار ابراهیم و زنش سارا که در «میان رودان» در ۱۷۵۰ پیش از مسیح می زیسته اند، می باشند. ابراهیم از بستر رود فرات به کنعان (در جغرافیای اسرائیل کنونی)، یا سرزمین موعود رفته و با پسرش اسحاق و نوه اش یعقوب با یکتا پرستی زندگی می کنند. یعقوب چهار زن داشت و دارای ۱۲ پسر و یک دختر بود. این ۱۲ پسر ۱۲ قبیله اسرائیل را به وجود می آورند و سپس آنها قبیایل خود را در مصر رشد می دهند. یعقوب (نام دیگرش «اسرائیل») به دنبال قحطی در کنعان به سرزمین مصر رفته و در اینجا است که قوم یهود متولد می شود. پسر یعقوب ژوزف (یوسف) وزیر یکی از فراعنه مصر می گردد و یهودیان در دوران صلح قرار می گیرند. با تغییر قدرت در میان فراعنه، بخت یهودیان برگشته و در شرایط جدید بازماندگان ژوزف یا یوسف به بندگی و اسیری دچار می شوند و فرعون دستور می دهد تمام پسران نوزاد در آبهای نیل غرق شوند. به گفته تورات یهودیان، فرزندان اسرائیل (یعقوب)، تصمیم می گیرند تا از مصر خارج شوند و اسارتشان پایان پذیرد. طبق بیان تورات به دنبال معجزات دهگانه و ظهور موسی که توسط ملکه فرعون پرورش یافته بود، خروج یهودیان از اسارت تحقق می یابد. گویند این خروج در ۱۳۰۰ سال قبل از میلاد صورت می گیرد. در تورات می آید که موسی بزرگترین پیامبر اسرائیل است زیرا او تنها کسی است که رود رو با خدا صحبت کرده است. یهوه یا خدای یهود با واسطه موسی تورات را به اسرائیل انتقال می دهد (کتاب آفرینش، ۱۱-۳۳). یهودیان دارای بیست و پنج کتاب دینی می باشند. پنج کتاب آغازین در تورات قرار گرفته اند و این تورات در سال ۲۷۰ پیش از میلاد توسط ۷۲ خاخام به یونانی ترجمه شده است. مجموعه دوم «نویم» است که دربرگیرنده ۸ کتاب می باشد و مجموعه سوم «کتوویم» است که در برگیرنده ۱۲ کتاب می باشد. (منبع: «کتابهایی از عهد عتیق» ترجمه پیروز سیار، نشر نی تهران، چاپ هشتم ۱۳۹۱ و همچنین «تورات»، فیلیپ حداد، چاپ پنجم ۲۰۱۶، پاریس). در کتاب تورات شرح حال همه پیامبران بنی اسرائیل و تمامی حکایت ها و اساطیر و نیایش ها گردآمده است. در تورات، آفرینش جهان و آفرینش آدم و حوا و داستان نوح و ابراهیم و رسالت موسی به طور مفصل توضیح داده شده است. البته تحقیقات باستانشناسانه و تاریخی ادعای تورات در باره ابراهیم را اثبات نکرده است و برخی محققان دانشگاهی، واقعیت ابراهیم را به عنوان شخصیت تاریخی مورد تأیید قرار نمی دهند.

خدای تورات «یهوه» است و این خدا «جاودانه است و خدای مکانها، سرور سروران، پادشاه، قدرتمند قاطع» می باشد و تورات کتاب «حقیقت» است. (تورات، دوترونوم ۱۷-۱۰). خدای یهود سه کلید در دست دارد: باران، تولید، قیامت و برای آفرینش آدم با فرشتگان مشورت نموده است. (رجوع شود به فصل آفرینش ۲-۲۶). در تورات می آید موسی با روشنی تورات را توضیح داد و ادامه دهندگان باید به هفتاد زبان تورات را بازگویند. در عمل، نوشتار تورات، حافظه تاریخی و هویت یهودیان را تشکیل می دهد و این کتاب از ابراهیم به عنوان «پاتری آرش» یا شخصیت بزرگ قوم عبری نام می برد. کتاب تورات یهودیان را «مردم برگزیده» معرفی می کند زیرا آنها از جانب خدا برگزیده می شوند تا از اسارت خویش بیرون آمده و به سرزمین اجدادی خود، کنعان بازگشت کنند. یهودیان «قوم برگزیده» تلقی می شوند

زیرا آنان به عنوان برگزیده تورات را دریافت می کنند. رسالت موسی در کوه سینا صورت می گیرد و خدا به قوم یهود می گوید: «شما برای من سرزمین پادشاهی پرستش کنندگان هستید». از این دیدگاه، قوم یهود به خدای یگانه معتقد است و برادری همه کسانی که از تبار ابراهیمی اند مورد احترام و توجه می باشد و تورات پیامی برای بشریت است.

پیوند ارگاتیک قرآن با موسی و تورات

در تحلیل قرآن، در بررسی موضوع های قرآنی، در تحلیل داستانها و افسانه های قرآن، ما اغلب مواقع با فضای فرهنگی و دینی تورات مواجه هستیم. افسانه ها و رسوم و نمادها و ارزش های دینی و احکام دینی در قرآن شباهت های بسیار فراوانی با محتوای تورات دارد. حال این پرسش مطرح است که علت این نزدیکی چیست؟ ما هنگامی که کتابهای دینی ملت های گوناگون را در قاره های مختلف مورد بررسی قرار می دهیم با فضاء های فرهنگی و مشغولیت های فکری و احساسی و ویژگی های نیایشی و آئینی ویژه مواجه می باشیم. فضای آئین کنفسیوس، پروتستانتیسم، هندوئیسم، زرتشتی، بودائی، اسلامی، و غیره با فضای فکری و ایمانی و ارزشی کاملاً متفاوت هستند. این آئین ها و ادیان و دکنترین اخلاقی با یک دیگر از نظر تاریخ و جغرافیا و نیز ساخت و هدف خود بسیار متنوع می باشند. ولی دو دین یهودی و اسلام، که در دو زمان جداگانه پیدا شده اند، و در جغرافیای میان رودان و فلسطین یعنی بخشی از خاورمیانه سامی و آرامی متولد شده اند، با هم بسیار نزدیک می باشند. البته در همین فضای جغرافیایی تورات و سپس قرآن، تعداد آئین ها و ادیان کهن بسیار اند. در همین فضای جغرافیایی آئین های بسیار مختلفی با هویت های تاریخی و فرهنگی مختلفی زیست کرده و یا هنوز به زندگی خود ادامه می دهند. سومری ها، بابلی ها، مصریان و آشوریان در آئین های مختلف زندگی می کرده اند و آئین خورشید و عناصر طبیعی و خدایان گوناگون را پرستیده و اجراء می کرده اند. البته همین آئین ها دارای تأثیر متقابل بوده است و در طول تاریخ و به هنگام روند جنگ ها و انتقال رسوم تمدنی در یکدیگر تغییر به وجودآورده اند. نه تنها ادیان این میدان جغرافیایی برهم اثر گذاشته اند بلکه تأثیر فرهنگ های دورتر مانند اسطوره های یونانی و ادیان ایرانی نیز قابل تشخیص است. به عنوان نمونه «توماس رومر» استاد کالژدوفرانس و دانشگاه لوزان، در کتاب «اختراع خدا» این مطلب را نشان می دهد و به قول او اعتقاد به تک خدائی یا اعتقاد به «شیطان» در دین یهود ریشه زرتشتی و ایرانی دارد. نمونه دیگر از نظر توماس رومر، طوفان نوح در تورات ریشه و منشأ سومری داشته و از منطقه میان رودان می آید. (انتشارات «سوی» پاریس، برگ ۲۹۹ تا ۳۱۶).

پس ما به تأثیر گذاری ادیان و فرهنگها بر روی یکدیگر آگاه هستیم ولی رابطه قرآن با تورات چیز دیگری است. قرآن بدون تورات ناممکن است. ما نمی خواهیم بگوئیم که تنها منبع شکل گیری قرآن، تورات است ولی روح قرآن، تاریخ قرآن، افسانه های قرآن، پیامبران قرآن، قواعد قرآن و شکل گیری پایه نئی قرآن، کاملاً وابسته به تورات است و هستی قرآن از تورات و شخصیت های دینی و فرهنگ دین یهود، ناشی می شود. فراتر از آنچه در باره ادیان دیگر می توان ادعا نمود، باید اعلام کرد میراث مشترک یهودیت و اسلام بسیار گسترده و ارگاتیک است. آنچه مسلم است قدمت تورات، فضای فرهنگی و تاریخی تورات، منشأ انتقال میراث به قرآن است. تأثیر تورات بر قرآن تعیین کننده است و بدون تورات و فرهنگ عبری تنظیم و تولید قرآن به شکل کنونی ناممکن است.

چند پرسش اساسی مطرح است؟ از نظر علمی ابعاد بهره گیری اسلام از دین یهود چه میزانی است؟ آیا نشانه های دین یهودیت شخصیت مستقل اسلام را زیر سؤال می برد؟ در این زمینه محققان گوناگون نظریه های مختلفی ارائه می نمایند. همه پژوهش ها در یک نکته هم نظرند و آن این که وامگیری اسلام از تورات جدی و ساختاری است. هر چند نوع تأثیر و ابعاد این وامگیری مورد اختلاف نظر است. البته مسلمانان می گویند چون «اسلام دین ابراهیمی» است،

رجوع دادن به دین تورات، برای آنست تا «بندگان» بیاموزند و پند بگیرند. آنها می گویند طرح موسی و افسانه های قوم یهود در قرآن، جنبه تاریخی دارد و بیان تسلسل در ادیان ابراهیمی است. در واقع هدف مسلمانان پنهانکاری در باره منشأ توراتی قرآن است. به علاوه بسیاری از آنان به لحاظ دکماتیسم و دیدگاه دینگرا و دین خوئی عمیقشان، این رابطه را درک نمی کنند. بیائیم این موضوع را مورد بررسی علمی قرار دهیم.

مطالعه سوره های قرآن با توجه به محتوای تورات و اساطیر یهود روش جالبی در عرصه قرآن شناسی است. مقایسه آیت ها یا سوره های قرآن با متن تورات از نقطه نظر نگرش و زاویه پرداخت، اجازه می دهد وامگیری قرآن از تورات روشن شود. در یک کتاب نوع روایت چگونه است؟ در موارد بسیار متعدد طرز نگارش و نوع پرداخت مطلب در قرآن با طرز پرداخت در تورات یکی است. به عنوان نمونه طرز نگرش قرآن در باره آفرینش جهان و آدم با نگرش تورات در همین زمینه نزدیک می باشد. آیا این شباهت در نوع پرداخت در تورات و در قرآن اتفاقی است؟ نگرش تورات به آفرینش و گردش زمان و قواعد آسمانی، در قرآن ادامه پیدا می کند. نویسندگان قرآن نگرش توراتی را در تولید و تنظیم قرآن انتقال می دهند.

به جنبه های دیگر توجه کنیم. به اعتبار اخبار موجود در تورات در زمان و در روند پیدایش آئین یهود، مخالفت های بسیار زیادی موجود بوده و قبایل و افراد قوم یهود براحتی دین موسی را نمی پذیرفته اند. با توجه به مخالفت های رایج در جامعه آن زمان، در تورات آمده است که «کافران» مسخره می کنند و همه چیز را نفی می کنند. بنابراین در اینجا، نوع پرداخت، مقابله کردن با دیگران و قبولاندن دین، مسأله تورات است. نمونه دیگر، در تورات در میان افسانه ها و رویدادهای تاریخی مطرح شده، برای اندرز دادن و برای متقاعد نمودن و یا ترساندن «کافران»، بارها به قصه نوح، عاد، ثمود و لوط توجه شده است. این پرداخت در فضای فرهنگی و گویشی خاصی شناور است و دارای روح زمان خودش است. در تورات، اشاعه ترس از خدا، جهنم و بهشت، اطاعت و عبادت، نفرین و تهدید، از اجزای این فضای گویشی هستند و به علاوه ردیف کردن «پیامبران» مانند ابراهیم، اسحاق، یعقوب، آدم، حوا، نوح، داود، سلیمان، یونس، یوسف، موسی و غیره، گفتمان توراتی و سمبول هایش را ترسیم کرده، زینت بخشیده و ذهنیت را به طور مدام مورد خطاب خود قرار می دهد. ما این نوع فضای گفتاری و معنایی را در زرتشت و هندوئیسم و کنفوسیوس نداریم. این فضاء و طرز نگاه با این سمبول ها و اساطیر، از آن تورات است. همین طرز افسانه گوئی، همین پیامبران یهود، همین انگشت گذاشتن بر خطاکاری انسان، همین جهنم و بهشت، همین تنبیه کافران که در تورات است، در قرآن نیز وجود دارد و ساختار آن را می سازد.

حال باید گفت این نوع پرداخت و این الگوی گفتاری را، ما در قرآن به طرز فراوان شاهد هستیم. به عنوان نمونه به سوره مکی «القمر» توجه کنیم. در آیت های این سوره قرآنی آمده است که کافران اعتراض می کنند و اخبار را قبول ندارند، ولی آنها در محشر سراز قبر درآوردند و عذاب خواهند دید. قرآن به طور مکرر به یادآوری داستانهای دینی تورات پرداخته و می گوید کافران فراموشکاراند. قرآن می گوید ماجرای قوم نوح را تکذیب نکنید و بدانید در کشتی نوح کافران راه نیافتند و مجازات شدند. در همین سوره قرآنی می آید کافران سرنوشت قوم عاد را فراموش می کنند، آنها تنبیه الهی را در نظر نمی گیرند، آنها سرنوشت قوم ثمود را فراموش می کنند، آنها سرنوشت قوم لوط را انکار می کنند و نمی خواهند ببینند که ما قدرت داریم و به همین خاطر غیر از خانواده لوط، بقیه آن قوم را «به سنگباران نابود کردیم». سوره می افزاید ما قرآن را به فهم آسان کردیم ولی کیست که اندرز گیرد و «فرعونیان» را تکذیب کند. کافران از کارخلاف شان دست برنمی دارند و بدانید ما آنها را به جهنم می فرستیم و روز قیامت در انتظارشان است.

بنابر این هنگامی که به سوره «القمر» و به پرداخت و روش نقلی داستان توجه می شود، هنگامی که به ارزش گذاری اقوام دقت می شود، هنگامی که به ادبیات و الگوی واژگانی قرآن ژرف نگری می شود، هنگامی که به «فرعونیان» یعنی اسیرکنندگان قوم یهود به عنوان ستمگران اشاره شده و سرنوشت اینان در «جهنم» در نظر گرفته می شود، تمامی این عناصر سازنده فضای قرآنی و الگوی گویی قرآن است و این فضاء کاملاً فضای توراتی می باشد. این نزدیکی شگفت انگیز است ولی دلیل مند است.

در سوره مکی «سباء» در قرآن خطاب می شود که عبرت بگیرید و از خدا اطاعت کنید و خدا قادر است پس از مرگ شما را زنده کند. عبرت بگیرید و توجه کنید، کوهها و مرغان به نغمه الهی داوود گوش دادند، سلیمان باد را در اختیار خود گرفت و برای اولاد سبا در وطنشان رحمت برقرار بود و این امر بیان رحمت الهی است. در این سوره مانند آنچه در سوره «نمل»، «عنکبوت»، «قصص» آمده، سمبولها و نشانه های اساطیری به کار گرفته شده و پیامبران یادشده، متعلق به تورات است. داوود و سلیمان از پادشاهان اساطیری تورات بوده و تورات داستان سبا، بلقیس ملکه سبا و پیوند او با سلیمان، پادشاه اسرائیل، را مطرح می کند. تورات افراد را به عبرت فرامی خواند تا ببینند ملکه سبا چگونه به حقانیت سلیمان ایمان پیدا کرده و از خورشید پرستی دست می کشد. سمبولها و نشانه ها و اساطیر تورات، در قرآن دوباره ایفای نقش می کنند (رجوع شود به «اولین کتاب پادشاهان» در تورات). این قصه های دینی در تورات آمده و در قرآن تکرار می شود. البته یاد آوری شود که داستان ملکه سبا در انجیل لوقا نیز آمده است و روشن است که این خبر ریشه در تورات دارد. نمونه دیگری از فضای فرهنگی و اساطیری و ارزشی تورات را در قرآن می بینیم. سوره مکی ۲۷ «نمل»، در باره زندگی و معجزات موسی است. این سوره قرآنی چندین بار در باره موسی و معجزه موسی و فرعون و سلیمان و بلقیس و لوط و عدم اطاعت مشرکان از فرمان خدا و دین موسی صحبت می کند. در همین سوره به روشنی آمده است: «همانا این قرآن اکثر احکامی که بنی اسرائیل در آن اختلاف می کنند کاملاً بیان خواهد کرد (و حکم واقعی تورات را آشکار می سازد) و هم این کتاب خدا برای اهل ایمان هدایت و رحمت کامل است.» (آیت ۷۶ و ۷۷، ترجمه حسین الهی قمشه ای). متن قرآن می گوید که شرح احکام بنی اسرائیل است. چرا قرآن به طرز تکراری خواست بنی اسرائیل و عمل موسی را طرح می کند؟ پرسش اینجاست که در قرآن، که برای قوم عرب است، چرا داستانهای قوم یهود تکرار می شود؟ چرا در قرآن از فلاسفه یونان گفته نمی شود؟ چرا از میترائیسم و زرتشتی حرفی به میان نمی آید؟ چرا از منشور یا قانون حمورابی، شاه بابل صحبت نمی شود؟ چرا به تمدن اکسومیت های اتیوپی اشاره ای نمی شود؟ چرا از تمدن آشوریان و نباتیان دلیلی آورده نمی شود؟ ادبیات و اساطیر و پیامبران قرآن، همان ادبیات و اساطیر و پیامبران تورات می باشند.

حال در قرآن، سوره «مکی اسراء» را مورد نظر قرار دهیم.

«به موسی کتاب تورات را فرستادیم. آن را وسیله هدایت بنی اسرائیل قرار دادیم تا غیر من که خدای عالم هیچ کس را حافظ و نگهبان نگیرد.» (آیت ۲). «در کتاب تورات خبر دادیم و چنین مقدر کردیم که شما بنی اسرائیل دو بار حتماً در زمین فساد و خونریزی می کنید و تسلط و سرکشی سخت ظالمانه می یابید.» (آیت ۴). موسی به فرعون گفت «...من ای فرعون تو را شخصی جاهل و لایق هلاک می پندارم. آنگاه فرعون اراده آن کرد که موسی و قومش را از زمین مصر براندازد. ماهم، او و همدستانش را تمام به دریا غرق کردیم» (آیت ۱۰۲ و ۱۰۳). در قرآن، در سوره مدنی «صف»، از کافران صحبت شده و «حقانیت کتاب تورات» یادآوری می شود. این کلام همان کلام موسی است. این کلام، سخن محمد نیست، بلکه سخن موسی در زبان محمد و آیت قرآن است. موسی نه تنها در تورات سخن گفت بلکه در قرآن کلام

خود را ادامه می دهد. قرآن از حقانیت کتاب تورات سخن می گوید و این امر همان رازی است که مسلمانان پنهان می کنند.

وجود اینگونه آیات توراتی در قرآن، اتفاقی نیست. اینگونه کلام، کلام خدا در باره موسی است، کلام هدایت برای یهودیان است و یا کلام هدایت برای کسانی است که باید پیرو تورات بشوند. کلام به چه کسی خطاب می شود؟ آیا این سوره، گفتار محمد است و دارای ارزش بازگوئی یک واقعه تاریخی و دینی، برای هدایت عرب هاست؟ آیا این گفتار تورات برای عرب ها می باشد تا آنها به دین یهود بگرainند؟ آیا کسی کلام تورات را در قرآن برای عرب ها بازگوئی می کند؟ پرسش های بسیار جدی مطرح است. همین مضامین و همین فرهنگ در تورات آمده است و در قرآن تکرار می شود. چرا محمد از موسی، از حقانیت او، از تورات او و از دشمن یهودیان، یعنی فرعون صحبت می کند؟

ما در نوشته های پیش جنبه تاریخی قرآن را نشان دادیم و در اینجا تأکید روی جنبه التقاطی قرآن نیز می باشد. نوشتار التقاطی یعنی نوشته ای که با منشأهای گوناگون بوده و فاقد همگونی در سبک و روش می باشد. یکی از جنبه های اساسی التقاطی بودن قرآن همانا وجود انبوه و پرمعناى ادبیات و مضمون تورات و فرهنگ تورات، در قرآن است. وامگیری قرآن عریان است، آشکار است و هیچ پژوهشگر جدی و با انصافی نمی تواند آن را نبیند. بحث ما پاسخگوئی به پرسش های پژوهش علمی است. هدف نشان دادن کهن بودن یا برتر بودن یک دین نیست. بلکه تأثیرپذیری خرد و کلان ادیان و در اینجا اسلام است. اسلام خود را دین الهی معرفی می کند حال آن که از نظر هرمنوتیک و جامعه شناسی و تاریخی این ادعا کاملاً بی پایه است. روشن است که یکی از عوامل اساسی شکل دهنده قرآن دین یهود و تورات است. البته برخی از محققان در این زمینه نظر بسیار قاطعی دارند. نظریه گابریل تری در این چارچوب معنا پیدا می کند و می توان گفت از نظر او قرآن همان تورات است.

قرآن، تأثیر قاطع تورات

گابریل تری یا «هانا زاکریا»، مؤرخ و دین شناس فرانسوی و استاد در بنیاد کاتولیک پاریس (۱۹۵۹-۱۸۹۱)، در اثر خود «محمد واقعی و قرآن کاذب» که در سال ۱۹۲۹ منتشر شده نظریه ای مطرح می کند مبنی بر این که قرآن، در واقع کتاب تورات به زبان عربی است. منظور چیست؟ از نظر او تولید کننده قرآن محافل مذهبی خاخام های یهودی بوده و هدف آنها جلب عربها به آئین موسی است. چرا دین تورات در پی جلب عربهاست؟

مسیحیت با سرعت در دنیای هلنیسم غلبه یافته و از سده چهارم در زمان امپراتور کنستانتین، دنیای رومی را تسخیر کرد. این تسخیردینی مسیحی، واکنش یهودیت را برانگیخت و سیاست پخش اعتقادات تورات در دستور قرار گرفت. (برگ ۹۱). از نظر محافل یهود، با توجه به موقعیت اجتماعی و وجود آئین های چند خدائی یا بت پرستی یا دین نصارا در شبه جزیره حجاز، می بایست تورات را به میان قوم عرب برد. از آنجا که عربها تورات را به عبری نمی فهمند پس تورات را باید برای عربها روایت کرد و آن را به زبان خود عربها درآورد. (برگ ۹۳). دین یهود در پی فتح است، ولی گشایش مرزها برای این دین به معنای آب شدن یهودیان در اقوام دیگر نیست، زیرا از نظر این قوم، یهوه یا خدا، آنها را برگزیده و پیام آسمانی به آنها ارسال شده است. این دین در رأس باید بماند و برای گسترش نفوذ، این دین خود را می گستراند تا در پهنه جهانی طرز بینش آن غلبه داشته باشد و هر چه بیشتر رخنه کند. این دین خود را در نزد دیگران می گسترد تا روح خود را پخش کند.

گابریل تری می گوید تمدن قریش پائین ترین سطح فرهنگی است و آنها قادر نبودند آئین دینی تدوین کنند زیرا در میان آنها سنت نگارش وجود نداشته است. گابریل تری از ابن خلدون نقل می کند که عربها دارای طبیعتی تخریبگر هستند و

می افزاید در جامعه بدوی حجاز سنت شعر به شکل شفاهی و بسیار ضعیف بوده و آنچه که به عنوان شعر پیش از اسلام مطرح می شود بیشتر به مراحل بعدی تعلق دارد. گابریل تری می نویسد «علی رغم وجود میلیونها نفر پیرو، اسلام تنها تخم مرگ را با خود حمل می کند...پیش از اسلام در سرزمین عربی، هیچ فرهنگ انتلکتولی وجود نداشت».(برگ ۴۶). نویسنده می افزاید عربها که از تبار سامی هستند هرگز قادر نبودند نوآوری کنند و فقط غارتگری می کردند و اموال دیگران را تصاحب می کردند و همانطور که ابن خلدون می گوید: تاریخ عرب سرشار از دزدی و غارت است. (برگ ۱۲۹). نویسنده در کتابش می آورد ما هیچ گاه فیلسوف عرب نداشته ایم. در سراسر خلافت، فیلسوفان از غیر عربها مانند سیریاک ها، بربرها و ایرانیان بوده اند. غزالی و الکندی و ابن طفیل و ابن رشد، به عربی نوشتند ولی از تبار ایرانی و سوری و بربر بودند. فلسفه و هنر عرب، فقط یک افسانه است.(برگ ۱۳۰). بنابراین از آنجا که محیط عرب فاقد فرهنگ بود و فاقد یک نظم فکری و دکتترین بود، دین اسلام هم از این محیط نمی توانست بیرون بیاید و این دین همان دین تورات و تنظیم شده توسط بزرگان یهودی می باشد.(همانجا).

او می افزاید به عکس، یهودی ها «دارای پشتوانه چندین سده شادابی دینی و انتلکتولی بودند. آنها واقعاً در رأس فرهنگ بشریت بودند».(برگ ۴۶). گابریل تری می گوید در چنین شرایطی خاخام بزرگ مکه تلاش دارد تا عربها را از موقعیت بت پرستی خارج کند و به عربها بگوید که خدای یکتا، یهوه، پیام را به موسی ابلاغ کرده، موسی آن را به اسرائیل اعلام کرده و این پیام برای بشریت است.(برگ ۴۷). به نظر نویسنده برای تحقق این هدف خدیجه که یهودی بوده و شخصیتی قوی داشته و ثروتمند است، محمد را در این راه قرار می دهد و پشتیبانی می کند. به این ترتیب گابریل تری برآنست که در اساس، قرآن همان لوحه های موسی است، نسخه ای از تورات است و غیر از این، قرآن دیگری وجود نداشته است.(برگ ۴۷). نتیجه گیری او چنین است: «اسلام جز یهودیتی که توسط یک خاخام به عربها توضیح داده شده، چیز دیگری نیست. قرآن توسط یک یهودی به نگارش درآمده است و محمد هیچ نقشی در این زمینه نداشته است».(برگ ۵۸). «الله به طور کامل یهودی شده است».(برگ ۷۳). «هدف این کتاب قابل فهم نمودن قرآن عبری موسی، برای عربهاست.»، قرآن تنظیم و به روزکردن «یک کتاب دینی قدیمی» به عربی است(برگ ۸۷).

گابریل تری می گوید در «تلمود» آمده است که تورات کتابی آسمانی است و در آن شکی نیست(برگ ۳۹، جلد یازدهم) و به نظر او همین فرمولبندی یعنی «آسمانی» در قرآن تکرار شده است. در قرآن می آید که قرآن، کلام الله است و آسمانی است. از نگاه گابریل بری حرفی که قرآن عربی می آورد در حقیقت امر، توصیف متعلق به تورات است و زمانی که از زبان محمد این گفته جاری می شود منظور همان تورات است که «آسمانی» است. در قرآن، روایات و افسانه های توراتی بسیار وسیع و متنوع است و متن قرآن عربی آنچه در قرآن می باشد را متعلق به موسی و کتاب او می داند. البته از نظر تئوریک می توان نظریه گابریل تری را به طور کامل مورد پذیرش قرارنداد و برآن خرده گرفت. ولی همزمانی قرآن با نوشته و فرهنگ توراتی انکار ناپذیر است. در راستای گفتار گابریل تری در قرآن، همانگونه که دیدیم، شواهد بسیار یافت می شود.

اعتراف قرآن بر توراتی بودنش

بررسی کرونولوژیک و زمانمندان و تقسیم آیات به مکی و مدنی، بررسی تاریخی جنگ ها و جدال قبایل عربی و متدهای دیگر، از جمله روش های علمی است که قرآن را تبدیل به «اوبژه» و «موضوع تحقیقی» و زمانمند می کند و آن را از پیام آسمانی و ازلی و از مقدسات خارج می کند. این گونه تحقیقات که از صدوپنجاه سال پیش آغاز شد، طلسم و تقدس اسلامی را زیر سؤال برده و دین را به پدیده زمینی تبدیل کرد. علی رغم تنوع روش های تحقیق که ما به آنها

همیشه نیازمندیم، برای درک دقیقتر قرآن، در چارچوب شیوهٔ هرمنوتیکی، ما نیازمند گسترش تحقیق خود به ژودائسم یا یهودیت و تورات نیز هستیم. این جنبه توسط برخی پژوهشگران مورد بررسی قرار گرفته و از آن میان نظریهٔ گابریل تری و نیز کتاب سه جلدی ژوزف برتول، «اسلام، منشأهای واقعی آن»، درجهٔ جالبی در تحقیق می‌گشایند و کلید بسیار مهمی برای درک بهتر قرآن در دسترس ما قرار می‌دهند.

خواندن دقیق یک سلسله آیات قرآنی ما را به زمان و مکان خاص و فضای عمومی وارد می‌کند. این فضاء، فضای یهودیت است، فضاء و محیط سیاسی و دینی و آشوب‌مند است، فضای پیام ابراهیمی است، فضای جدال علیه کافران و مخالفان، فضای تبلیغ و هدایت و فضای خشونت و جهنم می‌کند. در قرآن، فضای موسی است. از نظر یهودیت، یهوه پیام را به موسی اعلام کرده و پیامبران بنی اسرائیل حقیقت را با خود داشته و موسی بزرگترین رسول است. در قرآن نام ابراهیم بیش از ۶۰ بار تکرار می‌شود، نام موسی بیش از ۵۰ بار یادآوری می‌گردد، حال آن که نام محمد فقط چند بار در قرآن می‌آید. واژهٔ پیامبران اسرائیل به عنوان نام سوره‌ها یا درون سوره‌ها مرتب تکرار می‌شود و واژهٔ بنی اسرائیل بارها در قرآن آمده است، حال آن که واژهٔ قریش فقط دو بار اعلام شده است. یادآوری از موسی در قرآن با ابهت است، با بزرگی و با نبوت است. موسی در قرآن «پیشوا» قلمداد می‌شود. همانگونه که در تورات عهد عتیق خداوند موسی را «مجدی چون قدیسان عطا کرد»، «تقدسش بخشید» و «از میان آدمیان او را برگزید.» (برگ ۵۸۳، چاپ تهران).

سورهٔ مکی «قصص» سرشار از حکایت مربوط به موسی است و اعلام می‌کند: «ما به موسی مقام نبوت و فرمان الهی عطاء کردیم.» (آیت ۴۴). سورهٔ مکی «فصلت» اعلام می‌دارد: «ما به موسی کتاب تورات را فرستادیم» (آیت ۴۵). سورهٔ مکی «هود» می‌گوید: «کتاب تورات موسی»، «پیشوا و رحمت حق» است. (آیت ۱۷). تمامی این گفته‌ها اعتراف قرآن عربی، به واقعیت آن یعنی تورات می‌باشد و آیت‌های متعددی در قرآن این مطلب را تکرار می‌کنند. در حقیقت در قرآن، جز تورات و دین بنی اسرائیل، هیچ دین و کتاب دینی دیگری، به این صورت مورد تأکید مثبت و ستایش‌انگیز قرار نگرفته است. در ادبیات قرآنی، واژهٔ «پیشوا» می‌آید و پیشوا مقامی است که «فرمان الهی» دارد. این ستایش‌انگیزترین توصیف در قرآن است و این توصیف در بارهٔ موسی می‌آید. کسی این توصیف را می‌کند و محمد یا کاتبان آن را تکرار کرده و این توصیف به آیت قرآن عربی تبدیل می‌شود.

با توجه به آنچه بیان کردیم و در چارچوب این روش تحلیل، در حقیقت قرآن دین تازه‌ای نمی‌آورد بلکه توضیح و تبلیغ دین پیشینیان است، قرآن تبلیغ تورات برای عرب‌هاست. در تورات عهد عتیق می‌آید: «این همه، جز کتاب عهد خدای تعالی نیست. شریعتی که موسی آورد و به جماعات یعقوب به ارث رسید. پیوسته در ایمان به خداوند راسخ باشید، بدو درآویزید تا استوارتان سازد. خداوند قادر، خدای یگانه است، و رهاننده‌ای جز او نیست.» (برگ ۵۱۰، چاپ تهران). همین الگوی گویشی و همین سبک تاریخی اسطوره‌ای در قرآن تکرار می‌شود. کتاب موسی بیان کتاب «سلف» است و آنچه که به نام محمد است همان تورات موسی است که به زبانی دیگر برای قوم عرب گفته می‌شود.

توجه کنید: در قرآن، سورهٔ مکی «اعلی»، بر این امر اصرار دارد که «این گفتار به حقیقت در کتب رسولان پیشین ذکر شده. به خصوص در صحف ابراهیم و تورات موسی مفصل بیان گردیده است.» (آیت ۱۸ و ۱۹). در سورهٔ مکی «شعراء» آمده است: «علمای بنی اسرائیل از کتب انبیای سلف بر این قرآن آگاهند.» (آیت ۱۹۷). قرآن بر آنست که بزرگان قوم یهود از کتاب پیامبرانی مانند ابراهیم و اسحاق و موسی آگاه می‌باشند و می‌دانند که قرآن محمد در اساس همان تورات است. در واقع در اینجا، قرآن محمد، گفتار عربی شدهٔ تورات موسی است که به رسولان پیشین مانند ابراهیم رجوع می‌دهد و به آدمیان پند می‌دهد که در راه «سلف» حرکت کنند.

در سوره مدنی «مأثده» آمده است: «همانا خدا از بنی اسرائیل عهد گرفت و دوازده بزرگ میان آنها برانگیختیم و خدا بنی اسرائیل را گفت من با شما، هرگاه نماز به پا دارید و زکات بدهید و به فرستادگان من ایمان آورید و خدا را قرض نیکو دهید در این صورت گناهان شما را بیامرز و شما را در بهشتی داخل گردانم که زیر درختانش نهرها جاری است...» (آیت ۱۱). در این آیت از عهد بنی اسرائیل با یهوه یا خدای یهودیت صحبت می شود و تورات موسی، هر دوازده قبیله تشکیل دهنده مردم یهود را به اجرای آداب دینی دعوت می کند. قرآن پیام یهود را بازتولید می کند. قرآن پیش از آن که شرح حال عربها باشد شرح حال یهود است و قرآن عربها را به دین یهود دعوت می کند.

سوره مدنی یونس را بخوانید. این سوره به صورت شگفت انگیزی تاریخ دین یهود، پیامبران آن، رسوم آن و سلسله ارزش های تورات و افسانه های آن را به ما یادآوری می کند. این سوره در ستایش بنی اسرائیل است، آنهایی که به فرمان یهوه تسلیم شده اند. این سوره به کافران و آنهایی که مؤمن به تورات نیستند انتقاد می کند و آنها را تهدید به قیامت می کند. این سوره قرآنی به حکایت نوح و سایر پیامبران عبری اشاره کرده و می گوید به دین موسی پایدار باشید و تسلیم او بشوید و مسلمان باقی بمانید. در دین یهود تمام بزرگان دین مانند خاخام ها اسلام داشته و تسلیم موسی بوده و «یهودی مسلمان» تلقی می شوند. مسلمان کسی است که به دین تورات تسلیم می شود. در قرآن عربی به همین مسلمانی توجه شده است و منظور مسلمان بودن در پیروی از دین یهود است. در سوره می آید به موسی ایمان داشته باشید زیرا به موسی وحی شده است، از آنجا که فرعون ظالم است، «ما بنی اسرائیل را از دریا گذاراندیم»، «ما بنی اسرائیل را به مقام صدق مسکن دادیم و نعمتهای پاکیزه روزی آنها کردیم و همیشه بنی اسرائیل اتفاق داشتند تا زمانی که شناخت یافتند، آنگاه آغاز اختلاف کردند». قرآن، که در واقع همان کلام تورات است، اعلام می کند شک نکنید و «شهادت می دهم که حقا جز آن کسی که بنی اسرائیل به او ایمان دارند خدائی در عالم نیست و من هم تسلیم او هستم.» (برگ ۲۴۶، آیت ۹۰).

قرآن خطاکاران بنی اسرائیل را دوست ندارد، قرآن کافران را سرزنش می کند، قرآن کیفر و جهنم را یادآوری می کند، قرآن همه را به تسلیم در برابر یهوه می خواند. این دعوت یادآوری ساده حکایت دیگران برای تاریخ و اندرز نیست، بلکه این دعوت با تمام قدرتش، دعوت به دین موسی است. محمد شاهی برای این دعوت است.

نکته آخر

با توجه به آنچه در این بخش مطرح شد قصد ما افزودن روش و نگرش دیگری در بررسی قرآن بود. کار پژوهشی می طلبد تا نتیجه روش های آنالیتیک و تحلیلی، مورد استفاده قرارگیرد و از هرگونه برخورد دگماتیستی و یک جانبه اجتناب شود. روشن است که سلیقه من اتکاء بر شیوه هرمنوتیک و تاریخی و جامعه شناسانه است، شیوه ای که تمام جنبه های پدیده را در روح زمان خود می سنجد. به علاوه باید این هوشمندی را داشت و تشخیص داد که پژوهشگران غربی دانشگاهی یا محققان کار علمی، آثار بسیار مفید و با ارزشی را منتشر ساخته اند که ما را به شناخت متین و جدی در باره قرآن و اسلام هدایت نموده است. شیوه بررسی رابطه قرآن با تورات یکی از این روش های مفید بوده و زاویه جالبی در کار علمی گشوده است. البته بررسی رابطه قرآن با انجیل نیز به طور مسلم مفید می باشد و باید به آن پرداخت. در برابر سانسور و کم دانشی و رفتار ایدئولوژیک اسلامگرایان سنتی و مدرن، نفع ما در گسترش بحث علمی و افزایش تبادل نظر و انتشار تحقیقات علمی در باره قرآن است. ستمگری اسلامی و سیاسی در جامعه ما، دین خوئی ذهنیت ها و از خودبیگانگی روشنفکران و نخبگان سیاسی و تحصیل کرده، مانع نقد علمی اسلام و قرآن شده است. تمام اسلامگرایان ایرانی مانند علی شریعتی، عبدالکریم سروش، محمد مجتهد شبستری و دیگران، مانع فعالیت تحقیق علمی

بوده اند و نتیجه کار آنها افزودن بر ابهامات و خرافه سازی های جدید و ایدئولوژی دینی و آلودگی های ذهنی و رویاهای پاتولوژیک بوده است. تمام نوشته های این اشخاص نه در جست و جوی حقیقت علمی بلکه در راستای نجات دین بوده است. آنها خواهان تفسیر دینی خاص خود از دین اسلام بوده و اقدامشان در تضاد با کار علمی و دانشگاهی در باره اسلام و قرآن است. خوشبختانه موج فزاینده ای در جهان و در میان ایرانیان اندیشه ورز در انتقاد از استعمار ذهنی اسلامی آغاز شده است. در این فضای عمومی، کار تحقیقی علمی باید قاطعانه ادامه یابد.

جلال ایجادی

جامعه شناس دانشگاه پاریس

-
- ۱- سلسله نوشته هایی به نام «قرآن، نه کلام خدا، نه الهام محمد، نوشته ای تاریخی انتقادی»
 - ۲- «کتابهایی از عهد عتیق» ترجمه پیروز سیار، نشر نی تهران، چاپ هشتم ۱۳۹۱
 - ۳- «تورات»، فیلیپ حداد، چاپ پنجم ۲۰۱۶، پاریس
 - ۴- «محمد واقعی، قرآن کاذب»، گابریل تری (هانا زاکریا)، پاریس
 - ۵- جلال ایجادی، «جامعه شناسی آسیب ها و دگرگونی های جامعه ایران».

پژوهشگرانی که در این نوشته نامشان آمده است:

Françoise Dérouche, régis Blachère, françoise Micheau, michel Orcel, dominique Sourdel, alfred-louis de Prémare, Jacqueline Chabbi, christian julien Robin, jérémie Schettecatte, michael Cook, patricia Crone, gerald R. Hawting, yehuda Nevo, andrew Rippin, uri Rubin, harald Motzki, Goldziher, michael Lecker, john Wansbrough, william Marçais, michael Marx, michel Amari, aloys Sprenger, marie-thérèse Urvoy, gerd Puin, manfred Kropp, guillaume Dye, robert Kerr, christoph Luxenberg, edouard-marie Gallez, Olaf, joseph Bertuel, gabriel Théry.